

ریاض ، کمکهای مالی به گندمکاران را کاهش می دهد*

مترجم : شریف مطوف

در عربستان سعودی اخیراً " تصمیم گرفته شده است که از میزان کمکهای مالی دولت به گندمکاران کاسته شود . هدف از این تصمیم ، کاهش میزان تولید گندم عربستان بود که در سالهای اخیر رشد بی سابقه‌ای پیدا کرده است . این رشد سریع ، آن کشور را در شمار کشورهای صادرکننده عمده گندم قرار داده است . هدف دیگر این تصمیم ، تشویق کشتکاران به کشت جو به منظور کاستن از میزان واردات آن است .

دولت عربستان اخیراً " به شش شرکت بزرگ کشاورزی ابلاغ کرده است که مبلغ کمک مالی دولت به گندمکاران از ۲۰۰۰ ریال سعودی (= ۵۳۳ دلار) برای هر تن ، به ۱۵۰۰ ریال (= ۴۰۰ دلار) کاهش داده شده است . همچنین به شرکتها توصیه شده است که مقادیر بیشتری از زمینهای خود را به کشت جو اختصاص دهند به گونه‌ای که نیمی از مجموع زمینها به کشت جو اختصاص یابد .

حد نصاب جدید

به‌رغم اینکه آمار رسمی از میزان برداشت گندم در سال جاری (= ۱۹۸۸ م) هنوز منتشر نشده است . برآوردها نشان می دهد که حد نصاب جدیدی در تولید گندم به مقدار ۲/۷ میلیون تن به دست آمده است . اما در مورد کشت جو ، برآوردها نشان می دهد که حدود ۴۰۰ هزار تن جو در سال جاری تولید شده است . این مقدار ، دوبرابر میزان تولید در سال گذشته بوده و به نوبه خود ، حد نصاب جدیدی در تولید جو است .

بنابراین ، کمکهای مالی به گندمکاران و جوکاران در سال جاری ، خزانه آن کشور را با ۱/۵ میلیارد دلار هزینه مواجه می سازد . از این مقدار ، ۱۰۰ میلیون دلار به کشت جو و مابقی به کشت گندم اختصاص یافته است . میزان تولید گندم در کشور عربستان در اواخر دهه هفتاد ، هیچ‌گاه از مرز ۳۰۰۰ تن در سال تجاوز نکرده است . از آن هنگام ، طرح کمک مالی به گندمکاران ، باعث افزایش سریع و مداوم میزان تولید گندم گردیده است .

* "الریاض نخفص الدعم المالي لمزارعي القمح" ، العالم ، العدد ۲۴۰ ، ۱۷ ايلول (سپتمبر) ۱۹۸۸ م ص ۴۲ و

علاوه بر کمکهای مستقیم دولت به گندمکاران در مقابل تولید هر تن گندم، گندمکاران از وامهای کم بهره و نیز کمکهای مالی و غیرمالی برای تأسیس مزارع و تهیه کود و بذر لازم نیز بهره‌مند هستند. اما مشکل کنونی این است که تنها کمکهای مستقیم مالی دولت، حتی پس از کاهش اخیر میزان آن، حدود ۳ تا ۴ برابر بهای گندم در بازارهای جهانی را تشکیل می‌دهد.

در سال گذشته (۱۹۸۷)، دولت عربستان، حدود ۱/۴ میلیون تن گندم صادر کرده‌است، در حالی که میزان مصرف داخلی، از مرز یک میلیون تن تجاوز نکرده‌است. افزون بر این، به‌طور کلی از آمار و برآوردهای موجود برمی‌آید که کمکهای عظیم مالی دولت، تا کنون نوانسته‌است تنها ۲۰۰ میلیون دلار در سال در بودجه تخصیص داده شده به واردات مواد غذایی صرفه‌جویی کند.

دومین کاهش

ناگفته نماند که کاهش اخیر کمکهای دولت، دومین کاهش از این نوع است. در سال ۱۹۸۴، میزان کمکهای یاد شده از ۳۵۰۰ ریال (= ۹۳۳ دلار) برای هر تن، به ۲۰۰۰ ریال کاهش داده شد. از آن سال تا کنون، دولت همواره از شرکتهای زراعی بزرگ خواسته‌است که مقداری از زمینهای خود را به کشت جو اختصاص دهند. اما مبلغ نسبتاً ناچیز کمک به جوکاران که برابر با ۱۰۰۰ ریال (= ۲۷۰ دلار) برای هر تن است، انگیزه کافی برای انجام این خواست را به‌وجود نیاورده‌است.

همچنین میزان محصول گندم در هکتار بیش از محصول جو در هکتار است که این عامل نیز مشوق شرکتهای زراعی به کشت گندم بوده‌است. برای مثال، در دو فصل کشت گذشته، میزان محصول جو در هکتار، ۱/۶۷ تن بوده در حالی که میزان محصول گندم، ۴ تن در هکتار بوده‌است.

افزون بر این، کمکهای مالی دولت به واردکنندگان جو نیز مشکل دیگری می‌آفریند. تا ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، دولت ریاض کمکهای مالی به میزان ۳۰۰ ریال (= ۸۰ دلار) برای هر تن جو وارداتی به واردکنندگان پرداخت می‌کرده‌است که این مبلغ برابر با بهای یک تن جو در بازارهای جهانی بوده‌است.

تا آن هنگام، بازرگانان سعودی با وارد کردن جو به بهای ۸۰ دلار برای هر تن و دریافت معادل همین مبلغ از دولت، جو را به بهای ۵۵ دلار برای هر یک تن در بازار می‌فروختند و سود کلانی به جیب می‌زدند. پس از آن، دولت تصمیم به کاهش دادن میزان کمک خود به واردکنندگان جو از ۳۰۰ ریال به ۱۰۰ ریال گرفته‌است.

معافیت مزارع کوچک

گفته می‌شود که مزارع کوچک مشمول کاهش اخیر کمکهای دولت به گندمکاران نمی‌شود. همچنین به دلیل اینکه شش شرکت بزرگ زراعی کشور تنها ۱۵ درصد از میزان تولید گندم کل کشور را برعهده دارند، انتظار نمی‌رود کاهش میزان کمکهای مالی دولت به کاهش شدید و گسترده‌ای در میزان تولید گندم در سال ۱۹۸۹ منجر شود.



به استناد آمار موجود، میزان تولید گندم به متوسط مزارع کوچک حدود ۸۰۰ هزار تن در سال است، در حالی که میزان تولید مزارع متوسط بین ۱/۲ تا ۱/۵ میلیون تن است. یادآوری می‌شود که از دارندگان مزارع کوچک و متوسط خواسته شده است که سطح بیشتری از زمینهای خود را به کشت جو اختصاص دهند.

دولت سعودی برنامه خود را برای توسعه کشاورزی در حدود ۱۰ سال پیش آغاز کرده است. در آن هنگام، میزان تولید گندم در آن کشور از مرز ۳۰۰۰ تن در سال تجاوز نمی‌کرده است. این برنامه به ایجاد حجم عظیم اضافه تولید منجر شده است. در حال حاضر، مقداری از این تولید اضافی به چند کشور از جمله اتحاد جماهیر شوروی و بحرین فروخته می‌شود و بقیه به طور رایگان به کشورهایمانند مصر و بنگلادش، به عنوان کمک، صادر می‌گردد.

دیگر کشورهای منطقه

در سالهای اخیر، توجه به توسعه کشاورزی به منظور رسیدن به خودبستگی در زمینه تولید مواد غذایی در کشورهای خاورمیانه، شدت پیدا کرده است. این توجه از زمانی که مشکلات ارزی ناشی از کاهش بهای مواد خام و محصولات صادراتی کشورهای یاد شده، ابعاد گسترده تری، از طریق تأکید بر توسعه کشاورزی پیدا کرده است. هدف از این کار، کاهش میزان واردات، افزایش میزان صادرات و رسیدن به خودبستگی در درازمدت است.

در این راستا، بسیاری از کشورهای منطقه سهم بخش کشاورزی از کل اعتبارات سرمایه‌گذاریهای دولتی را افزایش داده و تسهیلات زیادی در زمینه‌های مربوط به این بخش داده‌اند. در کشورهایی که برنامه‌ریزی مرکزی امور اقتصادی نقش عمده‌ای دارد، مانند الجزایر و سوریه، توجه عمده به تشویق بخش خصوصی برای تولید مواد غذایی شده است.

کشورهای دیگر منطقه، روشهای دیگری به منظور بالا بردن میزان تولید محصولات غذایی به‌کار برده‌اند. از جمله: افزایش بودجه‌های عمرانی به منظور اجرای طرحهای بزرگ کشاورزی و آبیاری، اصلاح خاک و گسترش استفاده از ماشین‌آلات پیشرفته، بذرهای اصلاح شده، کودشیمیایی و سموم دفع آفات. تعداد دیگری از دولتهای منطقه سیاستهای دیگری برای فعال کردن بخش کشاورزی بویژه به وسیله بخش خصوصی، به‌کار گرفته‌اند.

مثلاً در الجزایر، در دهه جاری، شاهد بهبود شیوه‌های اداره مزارع دولتی و تشویق بخش خصوصی به افزایش میزان تولید بودیم. در حالی که تأکید اساسی در دهه هفتاد بر گسترش و توسعه مزارع اشتراکی بوده است. سیاستهای جدید آن کشور، در جهت دادن آزادی عمل بیشتری به کشاورزان برای انتخاب محصول زراعی و چگونگی بازاریابی آن به منظور تشویق آنان به افزایش میزان تولید بوده است. افزون بر این، کوششهای رسمی دیگری به عمل آمده است تا تعداد کشاورزان نیز افزایش یابد.

در سال ۱۹۸۱، دولت الجزایر شروع به بازگرداندن بخش گسترده‌ای از زمینهای زراعی به مالکان پیشین

آنها کرده است. همچنین قطعه‌های دیگری از زمین به کشاورزان فروخته شده است. افزون بر این، به کشاورزان الجزایری اجازه داده شد که تولیدات خود را خارج از شبکه توزیع دولتی، به بازار عرضه کنند. این امر باعث افزایش تعداد بازارهای غیردولتی فروش محصولات کشاورزی در سراسر کشور گردید.

تعداد دیگری از کشورهای منطقه، توجه خود را به زمینهای زراعی دیمی افزوده‌اند. در اردن، دولت در چند سال گذشته، تأکید بی‌سابقه‌ای بر ضرورت افزایش میزان تولید زمینهای زراعی واقع در مناطق مرتفع با استفاده از آب باران کرده است در حالی که در بیست سال گذشته، توجه رسمی دولت به توسعه کشاورزی در دره اردن مبذول می‌شده است.

در سوریه نیز، در سالهای اخیر، به زمینهای دیم که حدود ۸۴ درصد کل زمینهای زراعی آن کشور را تشکیل می‌دهد، توجه خاص شده است. در حال حاضر، در آن کشور طرح گسترده‌ای به منظور بهبود میزان تولید در زمینهای دیم و بالا بردن سطح درآمد کشاورزان آن مناطق، به مورد اجرا گذاشته شده است.

کوشش در راه بهبود خدمات انبارداری و بازاریابی محصولات زراعی، یکی دیگر از ابعاد طرحهای توسعه کشاورزی در کشورهای منطقه است. در یکی از مطالعات اشاره گردیده است که ۴۰ درصد محصولات باغهای کشور مصر، در هنگام حمل به بازار، به دلیل عدم استفاده از شیوه‌های پیشرفته حمل و نقل و سردخانه‌ها، قبل از رسیدن به بازار، تلف می‌شود.

امروزه، بوضوح می‌توان دید که کمبود روزافزون مواد غذایی که از نیمه دهه هفتاد بروز کرده است، انگیزه اصلی و مستقیم مساعی جدید در راه توسعه کشاورزی است. در حال حاضر، در کل کشورهای عربی، واردات مواد غذایی، نیمی از نیازهای آن کشورها به مواد غذایی را تشکیل می‌دهد، در حالی که این نسبت در مورد گندم در حدود ۶۰ درصد است. این امر باعث گردید تا کشورهای عربی، در مجموع، ۱۵ درصد محصول بازار جهانی غله را مصرف کنند.

